



Group differences in the perception of gender inequality in the family

Rogayyeh (Aysan)Panahi¹ | Hassan Saraie² | Alireza Kaldi³ | Samad Abedini⁴

1. PhD Student of Sociology (Cultural Sociology), Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
Email: Aysan.panahi1362@gmail.com
2. Corresponding Author, Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
Email: hsaraie@yahoo.com
3. Consultant Master. Faculty Member of Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
Email: mirebeigi.v@gmail.com
4. Professor of Consulting. Member of faculty of Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Iran.
Email: Abedinisamad@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 30-06- 2018

Received in revised form:
29-11-2023

Accepted: 07-12-2023

Published online: 17-12-2023

Keywords:

perception of gender
inequality, group differences,
lived experience, family.

ABSTRACT

The purpose of this study was to investigate the sensation of gender inequality in the family. Due to the existence of very little research in Iran and the world regarding the perception of gender inequality, there is a gap in this connection, which also shows the importance of the issue. This research has been done in two stages using a mixed method (qualitative and quantitative). In the first stage, a thematic qualitative interview with 23 women living in the city of Maragheh with the aim of understanding the perception of gender inequality from the perspective of the interviewed women, with reference to their lived experience in the family, and extracting suitable items to construct the "perception of gender inequality" index. was executed In the second stage, the constructed index along with some demographic questions (age, education, family income, residential area and employment status) was conducted quantitatively (survey) on a sample of 420 women aged 18 and above in Maragheh city. The findings show that the perception of women's gender inequality in their lived experience in the family, despite the fact that it is generally weak, is significantly different in age, education, income and residential groups. In addition, working women perceive more gender inequality in their family experience compared to non-working women. The greatest perception of gender inequality experienced by women in the family (1) in terms of age, in the age group of 31-49 years old (2) in terms of education, in the education group of masters and above (3) in terms of income, in the income group of five million and five hundred 1000 and above (4) in terms of residential area, it was observed in women living in middle-class area (5) in terms of employment, it was observed among employees. Based on these results, it can be argued that those who have more facilities and opportunities in life perceive this gender inequality more than others.

Cite this article: Panahi, I., Saraie, H., Kaldi, A. & Abedini, S. (2023). Group differences in the perception of gender inequality in the family, *Journal of Social Problems of Iran*, 14 (1),259-280.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

تفاوت‌های گروهی در احساس نابرابری جنسیتی در خانواده

رقیه (آيسان) پناهی^۱ | حسن سرایی^۲ | علیرضا کلدی^۳ | صمد عابدینی^۴

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی (جامعه‌شناسی فرهنگی)، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران؛ رایانامه: Aysan.panahi1362@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استاد راهنما. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران - ایران، رایانامه: hsaraie@yahoo.com

۳. استاد مشاور. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران - ایران؛ رایانامه: mirebeigi.v@gmail.com

۴. استاد مشاور. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خلیخال - ایران؛ رایانامه: Abedinisamad@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶

کلیدواژه‌ها:

احساس نابرابری جنسیتی،
تفاوت‌های گروهی، تجربه زیسته،
خانواده.

تحقیق حاضر با هدف بررسی احساس نابرابری جنسیتی در خانواده انجام گرفته است. که به دلیل وجود تحقیقات خیلی کمی در ایران و جهان در رابطه با احساس نابرابری جنسیتی، در این ارتباط خلاء وجود دارد که این نشان‌دهنده اهمیت موضوع نیز می‌باشد. این تحقیق به روش ترکیبی (کیفی کمی) در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول مصاحبه ای موضوعی به روش کیفی با ۲۳ زن ساکن در شهر مراغه با هدف فهم احساس نابرابری جنسیتی از نگاه زنان مصاحبه شونده، با رجوع به تجربه زیسته آنان در خانواده، و استخراج گویه های مناسب برای ساختن شاخص "احساس نابرابری جنسیتی" اجرا گردید. در مرحله دوم، شاخص ساخته شده همراه با چند سؤال دموگرافیک (سن، تحصیلات، درآمد خانواده، منطقه محل سکونت و وضعیت اشتغال) به روش کمی (پیمایشی) بر روی نمونه ای ۴۲۰ نفری از زنان ۱۸ سال به بالای شهر مراغه انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که احساس نابرابری جنسیتی زنان در تجربه زیسته شان در خانواده، علی‌رغم این که به طور کلی ضعیف است، در گروه‌های سنی، تحصیلی، درآمدی و سکونتی به نحو معنی داری متفاوت است. اضافه بر آن، زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل نابرابری جنسیتی بیشتری را در تجربه زیسته شان در خانواده احساس می‌کنند. بیشترین احساس نابرابری جنسیتی تجربه شده زنان در خانواده (۱) به لحاظ سنی، در گروه سنی ۳۱-۴۹ ساله (۲) به لحاظ تحصیلی، در گروه تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر (۳) به لحاظ درآمدی، در گروه درآمدی پنج میلیون و پانصد هزار تومان و بالاتر (۴) به لحاظ منطقه سکونت، در زنان ساکن در منطقه متوسط نشین (۵) به لحاظ اشتغال، در بین کارمند مشاهده شد. بر اساس این نتایج می‌توان استدلال کرد کسانی که از امکانات و فرصت‌های بیشتری در زندگی برخوردارند بیشتر از دیگران این نابرابری جنسیتی را احساس می‌کنند.

استناد: پناهی، رقیه (آيسان)؛ سرایی، حسن؛ کلدی، علیرضا. و عابدینی، صمد. (۱۴۰۲). تفاوت‌های گروهی در احساس نابرابری جنسیتی در خانواده؛ بررسی مسائل

اجتماعی ایران، ۱۴(۱)، ۲۵۹-۲۸۰.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه و بیان مساله

جنس و جنسیت دو واژه متفاوت کاربردی در جامعه‌شناسی هستند. «جنس ماهیتی طبیعی و فیزیکی -مرد یا زن بودن- دارد ولی ماهیت جنسیت فرهنگی و اجتماعی است» (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۴۸۵). "به طور کلی نابرابری به آن دسته از تفاوت‌های میان افراد اشاره دارد که بر نحوه زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد" (گرب، ۱۳۸۱: ۱۰). نابرابری در هر جامعه‌ای انوعی دارد و اگر بر اساس جنس افراد باشد، ما در واقع با نابرابری جنسیتی مواجه‌ایم.

نابرابری جنسیتی^۱ «تفاوت منزلت، قدرت و اعتبار بین زنان و مردان در گروه‌ها، اجتماعات و جوامع» است (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹: ۹۹۷). با توجه به این که نابرابری جنسیتی یک واقعیت اجتماعی بوده و قابل نفی نیست، اما با این وجود، ساختارهای فرهنگی-اجتماعی گوناگون جوامع می‌توانند در مقابل تعابیر متفاوت قرار گرفته و برداشت‌های متنوعی از نابرابری یا وجود و عدم وجود آن داشته باشند. به طوری که، والنساری^۲ استدلال می‌کند که: «نابرابری جنسیتی هنوز هم یک مشکل عمده معاصر اجتماعی است و تنها یک موضوع فردی نیست. لذا به طور عمیق در ساختارهای اجتماعی ریشه دوانده است. نابرابری جنسیتی با همه نهادها و سازمان‌های موجود در جوامع بشری از ازدواج، خانواده، کار، اقتصاد، سیاست، مذاهب، هنرها و دیگر محصولات فرهنگی، حتی همه زبان‌هایی که ما صحبت می‌کنیم؛ در تعامل بوده است» (والنساری، ۲۰۱۳: ۱). در این تحقیق موضوع مورد مطالعه احساس نابرابری جنسیتی است نه خود نابرابری جنسیتی. به سخن دیگر، ما در این تحقیق به دنبال شناسایی احساس نابرابری جنسیتی زنان هستیم. احساس نابرابری احساسی است که یک انسان یا گروهی از انسان‌ها در مسیر دسترسی به منابع کمیاب و دستیابی به فرصت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی و پاداش‌ها، و در نهایت، احراز قدرت، ثروت و منزلت تجربه می‌کنند. با این تعبیر، احساس نابرابری جنسیتی، به عنوان یکی از مصادیق دیرپا و دامنه‌دار نابرابری، را می‌توان احساسی تعریف کرد که زن، یا زنان، در تجربه زیسته‌شان در خانواده، محل کار یا عرصه عمومی در مسیر دسترسی به منابع و دستیابی به فرصت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی و پاداش‌ها به آن دست پیدا کرده‌اند.

والتر لپپمن^۳ معتقد است احساسات و رفتار ما نسبت به همه چیز متأثر از ماهیت افکار قالبی است که ما درباره آن‌ها داریم. بنابراین افکار قالبی آشکارا نقش مهمی را در زندگی روزمره ما بازی می‌کند (برکویتز، ۱۳۸۸: ۹). به عبارت دیگر، درک و احساسات ما ساخته افکار ماست. و احساس و ادراک نابرابری جنسیتی، متأثر از آن افکاری است که در طول حیات زندگی افراد به وسیله ساختارهای جامعه شکل گرفته و تداوم یافته است و چون ساختارها متأثر از پدرسالاری است پس این احساس و ادراک در زنان زمانی می‌تواند به ظهور برسد که آنان بتوانند از این افکار قالبی خلاص شده و آن‌ها را به کناری نهند و سپس سعی در ایجاد و تعریف ساختارهای مبتنی بر برابری و عدم تبعیض، به ویژه عدم تبعیض جنسیتی برآیند.

بر طبق نظرات جان لاک (برکویتز، ۱۳۸۸) تجارب و افکار انسان‌ها ناشی از احساس‌شان است که به واکنش‌های غیر ارادی منجر می‌گردد. به عبارت دیگر افراد در جامعه بر اساس احساسات‌شان تجربه می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. در امر نابرابری جنسیتی افراد بر اساس احساس‌شان از جنسیت‌شان که در جامعه نسبت به افراد وجود دارد؛ همه چیز را تجربه کرده و تفکر می‌کنند. یعنی اگر در ساختارهای اجتماعی جامعه این نابرابری و تبعیض نباشد؛ افراد به ویژه زنان، چنین احساسی را نخواهند کرد چون هیچ تجربه و افکاری در رابطه با نابرابری‌ها نخواهند داشت تا احساس تبعیض و نابرابری داشته باشند و بر این اساس واکنش از خود نشان

¹ Gender Inequality

² Wulansari, Sri Ayu

³ Walter Lippmann

دهند. چون نابرابری‌ها یک برساخت اجتماعی است نه نابرابری بیولوژیکی. پس این احساس و ادراک نابرابری‌های اجتماعی و از جمله نابرابری‌های جنسیتی نیز یک برساخت اجتماعی است.

با توجه به این که تحقیقات زیادی در ایران در مورد نابرابری جنسیتی (دهنوی و معیدفر، ۱۳۸۴؛ نبوی و احمدی، ۱۳۸۶؛ ساروخانی و محمودی، ۱۳۸۷؛ صالحی و همکاران، ۱۳۹۲؛ بخارائی، ۱۳۹۴ و...) انجام شده است؛ اما تحقیقات خیلی کمی به احساس و ادراک نابرابری جنسیتی پرداخته است. ما در تحقیق پیش رو، به دنبال مطالعه احساس نابرابری جنسیتی موجود در خانواده در تجربه زیسته زنان هستیم. و بنا به گفته والنساری: در حالی که بسیاری از آثار علمی مانند «پیامد روانی در آموزش و پرورش (شهو و مورری، ۲۰۱۲)؛ پیامدهای روانی (کیناس و کیم، ۲۰۱۲)، ادراک در حال توسعه کودکان و نوجوانان (نف، کوپر و وودراف، ۲۰۰۷)، ادراک نخبگان در نروژ و سوئد (تیگن، ۲۰۰۹)، تقسیم پرداخت و عدم پرداخت کار و انحلال مشارکت در سوئد (آلاه و گاهلر، ۲۰۱۲)، برنامه یادگیری اقدام خصوصیت جنسی (علیم و رشید، ۲۰۰۵)، نمایندگی زنان در پارلمان در آفریقای جنوبی، اوگاندا و زیمبابوه (جاکوبز، ۲۰۰۹)»، به نابرابری جنسیتی و عوامل و پیامدهای آن می‌پردازند، ولی در خصوص ادراک نابرابری جنسیتی - که به طور واقعی به وسیله افراد درک می‌شود- و تفاوت‌های آن بین کشورها، کار زیادی انجام نگرفته است (به نقل از والنساری، ۲۰۱۳: ۳). بر اساس نظر والنساری و پژوهش‌های ماسبق در داخل که در حوزه نابرابری جنسیتی انجام گرفته است، می‌توان گفت به دلیل تحقیقات خیلی کمی که در ایران و جهان در رابطه با احساس و ادراک نابرابری جنسیتی در بین زنان انجام گرفته است، در این ارتباط خلاء وجود دارد که این نشان‌دهنده اهمیت موضوع نیز می‌باشد.

این تحقیق در شهر مراغه انجام گرفته است، شهری که مجری اصلی این تحقیق در آن زیسته و نابرابری جنسیتی را در آن تجربه و احساس کرده است. مراغه، شهری با جمعیت متوسط در آذربایجان شرقی واقع شده و شاید بتوان به طور متوسط این شهر را را به عنوان یک شهر معرف در این استان تلقی کرد. اضافه بر آن، به سبب سکونت محقق در این شهر و آشنایی او با آن، جمع آوری اطلاعات با سهولت بیشتری انجام می‌شد. از این رو، این شهر را برای مطالعه احساس نابرابری جنسیتی زنان انتخاب نمودیم. در انتها پرسش اصلی تحقیق ناظر به پرسش زیر است: آیا زنان شهر مراغه در تجربه زیسته شان در خانواده نابرابری جنسیتی را احساس کرده اند؟ اگر جواب مثبت است، با چه شدتی این نابرابری را احساس کرده اند؟ آیا احساس نابرابری جنسیتی در همه گروه‌های زنان در این شهر به یک نسبت بوده است؟ اگر پاسخ منفی است، کدام گروه‌های اجتماعی زنان این نابرابری را بیشتر احساس کرده‌اند.

هدف تحقیق

هدف کلی تحقیق حاضر، بررسی احساس نابرابری جنسیتی در خانواده در تجربه زیسته زنان مراغه در تفاوت‌های گروهی (گروه‌های دموگرافیک: سن، تحصیلات، درآمد خانواده، منطقه محل سکونت و وضعیت اشتغال) است. همچنین هدف فرعی تعیین میزان و شدت متفاوت احساس نابرابری جنسیتی در خانواده در تجربه زیسته زنان مراغه در گروه‌های مختلف می‌باشد.

¹ Shehu, Kasale & Moreri

² Kinias and Kim

³ Neff, Cooper and Woodruff

⁴ Teigen

⁵ Olah and Gahler

⁶ quality

⁷ Alim and Rashid

⁸ Jacobs

پیشینه تجربی

در داخل کشور تحقیقاتی با عناوین مختلف نابرابری جنسیتی انجام شده است. در برخی از این تحقیقات نابرابری جنسیتی متغیر وابسته و در برخی دیگر متغیر مستقل می‌باشد. اما در تحقیقات سابق به احساس نابرابری جنسیتی، کمتر پرداخته شده است. به طور کلی، تحقیقات در حوزه نابرابری جنسیتی را می‌توان به دو بخش نابرابری جنسیتی و احساس نابرابری جنسیتی تقسیم کرد. در این جا تنها به چند مورد از این تحقیقات اشاره می‌گردد:

بخش اول) نابرابری جنسیتی است، که به دو قسمت تقسیم می‌شوند. قسمت اول) نابرابری جنسیتی متغیر مستقل: مقالاتی چون «تأثیر نابرابری جنسیتی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان» (صداقتی فرد و سخامهر، ۱۳۹۲)، «اثر نابرابری جنسیتی بر رشد، بهره‌وری و باروری در ایران» (افشاری و کاکاوند، ۱۳۹۵) و «رابطه مؤلفه‌های نابرابری جنسیتی با انگیزش تحصیلی زنان» (خوش‌روش و همکاران، ۱۳۹۶) به بررسی نابرابری جنسیتی و پیامدهای آن پرداختند. یافته‌ها نشان داده‌اند که نابرابری جنسیتی بر متغیرهای وابسته مورد بررسی تأثیرگذار بوده است و رابطه معناداری وجود دارد. قسمت دوم) نابرابری جنسیتی متغیر وابسته: تحقیقاتی مانند «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی» (ناصری و ناصری، ۱۳۹۵) و «تبیین نگرش زنان به شکاف جنسیتی و کسب پایگاه‌های اجتماعی» (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۶) به بررسی نابرابری جنسیتی و عوامل مرتبط با آن پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل تحت بررسی و نابرابری‌ها/ نگرش‌های جنسیتی رابطه معنادار آماری وجود دارد.

بخش دوم) احساس نابرابری جنسیتی: تحقیق «رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسیتی با سلامت روان» (خاوری و همکاران، ۱۳۹۲) به بررسی احساس نابرابری جنسیتی و پیامدهای آن پرداختند. نتایج نشان داد جامعه تحت بررسی به میزان زیاد و خیلی زیاد، احساس نابرابری جنسیتی را ابراز داشتند. رابطه مثبت و معناداری بین احساس نابرابری جنسیتی و سلامت روان وجود داشت. در کارهای پژوهشی خارجی نیز بیشتر پژوهش‌ها در ارتباط با نابرابری جنسیتی انجام گرفته است، نه احساس و ادراک نابرابری جنسیتی. تحقیقات سابق در خارج از کشور را می‌توان در دو بخش نابرابری جنسیتی و ادراک نابرابری جنسیتی تقسیم کرد. که در این جا به چند پژوهش خارجی نیز اشاره می‌گردد:

بخش اول) نابرابری جنسیتی: آثار علمی چون «نابرابری‌های جنسیتی در مدارس اسکاتلند» (کاندوئی و همکاران^۱، ۲۰۰۶)، «نابرابری جنسیتی در تقسیم کار خانگی در تانزانیا» (فاینستاین و همکاران^۲، ۲۰۱۰)، «پله برقی شیشه‌ای: سرانجام تقسیم جنسیتی در سازمانها» (آمودا و همکاران^۳، ۲۰۱۶) به بررسی نابرابری‌های جنسیتی در جامعه، سازمان‌ها و یا در خانواده‌ها پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در همه تحقیقات نابرابری جنسیتی بین زنان و مردان دیده می‌شود. همچنین رابطه معناداری بین نابرابری جنسیتی و عوامل مختلف مورد بررسی وجود دارد.

بخش دوم) ادراک نابرابری جنسیتی که به دو قسمت تقسیم می‌گردد: قسمت اول) ادراک نابرابری جنسیتی در سازمانها و محیط کار: تحقیقاتی مانند «ادراک نابرابری جنسیتی در محیط کار» (نگو و همکاران^۴، ۲۰۰۳)، «درک جنسیت زنان و مردان در مؤسسات تحقیقاتی متفاوت» (گارسایاگونزالز و همکاران^۵، ۲۰۱۹) که به ادراک نابرابری جنسیتی در محیط کار پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که

¹ Condie et al

² Feinstein et al

³ Amudha et al

⁴ Ngo et al

⁵ García- González et al

ادراک نابرابری جنسیتی در محیط‌های کار برای زنان شدیدتر از مردان بوده و متغیرهای سازمانی بر ادراکات مؤثر می‌باشند. قسمت دوم) ادراک نابرابری جنسیتی در جامعه: تحقیق «ادراک نابرابری جنسیت: مطالعه مقایسه‌ای زنان در ژاپن و اندونزی» (والنساری، ۲۰۱۳) است. محقق چنین نتیجه‌گیری می‌کند که پاسخ‌دهندگان ژاپنی تمایل دارند؛ روابط جنسی رایج را به عنوان نابرابر بودن رابطه، درک کنند. از سوی دیگر، پاسخ‌دهندگان اندونزی به نظر می‌رسد؛ روابط جنسی موجود را به عنوان رابطه برابر شده می‌بینند. در تحقیقات مورد بررسی، محققان یا تنها به بررسی نابرابری جنسیتی در بین زنان پرداخته‌اند؛ احساس و ادراک این نابرابری مد نظر نبوده است که بیشتر تحقیقات در ایران از این دسته‌اند. اما تحقیقات بسیار کمی به احساس نابرابری جنسیتی پرداخته‌اند که عوامل و پیامدهای مورد بررسی آنها در اکثر مقالات بسیار محدود است یا متغیرهایی مورد بررسی قرار گرفته که مدنظر نگارندگان این تحقیق نمی‌باشد. و یا به بررسی نگرش افراد نسبت به وجود یا عدم وجود نابرابری جنسیتی یا شکاف جنسیتی پرداخته‌اند. در تحقیقات خارجی مورد بررسی در این پژوهش، احساس نابرابری جنسیتی در محیط کار و سازمان به صورت مقایسه بین زنان و مردان مورد بررسی قرار گرفته و جامعه و نمونه آماری محدود به زنان شاغل است و قابل تعمیم به زنان غیرشاغل و خانه‌دار نمی‌باشد. یا موضوع احساس نابرابری جنسیتی با متغیرهای دیگر مانند "تأثیر احساس نابرابری بر روابط جنسی (والنساری، ۲۰۱۳)"، مورد بررسی قرار گرفته؛ که در تحقیق پیش رو این متغیرها مد نظر نگارندگان نبوده است. یا در تحقیق کاندوی و همکاران نابرابری جنسیتی در مدارس و محیط آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است و احساس نابرابری جنسیتی مد نظر نبوده است. به طور خلاصه، در این تحقیق، به جای نابرابری جنسیتی، تمرکز ما بر احساس نابرابری جنسیتی است. اضافه بر آن، ما خود را در این تحقیق به بررسی احساس نابرابری جنسیتی در خانواده محدود کرده‌ایم. مطالعه احساس نابرابری جنسیتی در حوزه‌های دیگر نظیر مدرسه، محل کار یا عرصه‌های عمومی مستلزم تحقیقات دیگری است.

رویکرد نظری

نابرابری جنسیتی توزیع نابرابر فرصت‌ها، منابع و پاداش‌ها بر اساس جنسیت است (رسکین و پاداویک^۱، ۱۹۹۴). به نقل از نگو و همکاران، (۲۰۰۳: ۲۲۹). پیداست که این نابرابری پدیده‌ای تاریخی، اجتماعی و مانند هر پدیده اجتماعی تاریخی دیگری تغییر پذیر است. به عنوان مثال، در جوامع فلاحتی پیشامدرن، خانواده یک واحد تولید و مصرف بود. به تعبیر دیگر، در آن دوران اقتصاد عمدتاً خانگی بود و تمام افراد خانواده، صرف نظر از جنسیت، از هنگامی که می‌توانستند کار کنند به عنوان کارکن خانوادگی بدون مزد در آن فعال بودند. نوع مناسب خانواده برای چنین جامعه‌ای که در آن اقتصاد عمدتاً خانگی است و خانواده معمولاً واحد تولید و مصرف است، قاعدتاً خانواده گسترده است. در خانواده گسترده پیشامدرن جنسیت و سن نقش تعیین کننده‌ای در ساختار قدرت داخل خانواده داشتند. به تعبیر دقیق‌تر، خانواده در آن دوران به طور عمده پدرسالار و پیرسالار بود. "بزرگ‌ترها" به سبب آنکه حامل تجربه طولانی‌تری بودند نفوذ و قدرت بیشتری در خانواده داشتند. علاوه بر آن، مدیریت خانواده، به عنوان یک واحد تولید و مصرف، به عهده مرد با تجربه‌تر خانواده بود. این شخص می‌توانست پدربزرگ، پدر، برادر بزرگ‌تر یا پسر بزرگ‌تر باشد^۲. این ایده که نابرابری جنسیتی در ساختارهای خانواده‌گی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و اجتماعی تعبیه شده؛ گاهی اوقات به عنوان سیستم پدرسالاری^۳ و اجتماعی که در خدمت تسلط مردان بر زنان باشد نظام پدرسالاری نامیده شده است (بورن^۴، ۲۰۱۱: ۳-۴).

^۱ Reskin and Padavic

^۲ برای مطالعه بیشتر در این باره نگاه کنید به سرایی (۱۳۸۵).

^۳ patriarchy

^۴ Burn

در آن دوران زن، به تعبیری، ذوب در جامعه بود. دایره اختیار او بسیار محدود و نفوذ جامعه در او بسیار شدید بود. جامعه از طریق اجتماع محل سکونت، فامیل و خانواده زن الگوهای جا افتاده اندیشه و عمل را به شدت بر او تحمیل می‌کرد. به سخن دیگر، نگرش و رفتار زن در جامعه آن زمان به شدت نرماتیو بود. به سخن دیگر، زن در آن زمان هویت مستقلی نداشت و این جامعه بود که از طریق خانواده، فامیل و اجتماع محل سکونت، هویت او را تعیین می‌کرد و این هویت تقریباً بدون تغییر بازتولید می‌شد. پیداست، در جامعه‌ای که سلطه جامعه بر زن همه جانبه و دایره اختیارات او بسیار محدود است نابرابری جنسیتی موجود، ناشی از تقسیم کار جنسیتی مستقر، هم از طرف او طبیعی و عادی تلقی می‌شود و به ادراک او در نمی‌آید و احساس نمی‌شود یا، به تعبیر ملاحظه‌کارانه، از طرف او کمتر احساس می‌شود.

با گذر از نظام تولید کشاورزی پیشامدرن به نظام صنعتی دوران مدرن وضعیت نهادینه شده نابرابری در دوران پیشامدرن به تدریج و به طور فزاینده دچار فرسایش گردید، و با تضعیف سلطه جامعه بر فرد و گسترش دایره اختیار فرد نابرابری هم از وضعیت هژمونیک خارج شد و طبیعی و عادی بودن آن به تدریج و به طور فزاینده مورد تردید قرار گرفت. در محافل فکری (علمی و روشنفکری) بخصوص در حوزه جامعه‌شناسی هم نابرابری به عنوان یک موضوع مورد مطالعه جاذبه زیادی پیدا کرد و تقریباً به تفصیل مورد بحث و مطالعه قرار گرفت. در واقع، در تاریخ جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسان زیادی بالاخص جامعه‌شناسان انتقادی بر نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر این شکاف‌ها و نابرابری‌ها تأکید کرده‌اند (ریتزر^۱، ۱۳۸۲؛ ابوالحسن تنهایی، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۵۲ و ۳۷۳-۴۰۰؛ دیلینی^۲، ۱۳۸۷؛ آرون^۳، ۱۳۸۴). برای مثال، می‌توان به تأکیدات آن‌ها بر نابرابری‌های طبقاتی، جنسیتی، قومی اشاره کرد.

پیش زمینه احساس نابرابری، اولاً آگاهی از نابرابری است و این مستلزم عبور از طبیعی و عادی تلقی کردن آن و، با مقایسه وضعیت‌ها و فرصت‌های فرد فرودست با افراد فرادست، رسیدن به ادراکی از شرایط نابرابر است. اضافه بر آن، فرد فرودست باید آگاه باشد که او عضوی از یک گروه یا طبقه اجتماعی است که اعضای این طبقه یا گروه هم مانند او در معرض نابرابری و تبعیض هستند. در جامعه‌شناسی بیشترین توجه به نابرابری از سوی جامعه‌شناسانی بوده که در پارادایم انتقادی قرار می‌گیرند. این جامعه‌شناسان در کنار کارهای شناختی‌شان رویکردی عملگرایانه هم به نابرابری داشته‌اند. از جمله آنها می‌توان به مارکس، مکاتب انتقادی متأثر از او و فمینیست‌ها اشاره کرد. "مارکس" اولین جامعه‌شناسی است که به مسئله آگاهی و ارتباط آن با باز تولید نابرابری می‌پردازد (کولاکوفسکی^۴، ۱۳۸۵ : ۱۹۰-۱۹۷). وی در آثارش به این مسئله به طور اساسی توجه کرده که دوام همه نابرابری‌های طبقاتی با آگاهی کاذب مرتبط است. چون پرولتاریا در ابتدا دارای آگاهی کاذب است قادر نیست که نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی را ادراک کرده و تشکیل طبقه بدهد. تا زمانی که افراد طبقه کارگر آگاه نباشند و به آگاهی طبقاتی نرسند، یعنی از «آگاهی درخود» به «آگاهی برای خود» نرسند، نمی‌توانند سازمان دهی شوند و به استیفای حقوق انسانی خود نائل آیند. مارکس و مارکسیست‌ها مسئله آگاهی طبقاتی را عامل اصلی ادراک نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی پی برده و مطلع شوند که در معرض نابرابری هستند و در پی عمل و اقدام باشند. پس می‌توان گفت زنان نیز به عنوان یک گروه اجتماعی اول باید احساس کنند نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد؛ یعنی، اگر به وضعیت همه زنان در مقایسه با مردان؛ که از فرصت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف محروم شده و حقوق‌شان نادیده گرفته

¹ Ritzer

² Delaney

³ Aaron

⁴ Kolakowski

شده است مطلع و آگاه شوند که در معرض نابرابری جنسیتی هستند و به عنوان یک گروه و طبقه به "احساس نابرابری جنسیتی برای خود" برسند می‌توانند به ادراک و احساس نابرابری جنسیتی واقعی دست یابند. بر این اساس، احساس و ادراک نابرابری جنسیتی یعنی آگاهی و اطلاع زنان از موقعیت‌ها، فرصت‌ها و زمینه‌های اجتماعی است که در جامعه زنان از آن‌ها باید بهره‌مند شوند ولی محرومند. احساس نابرابری جنسیتی یک احساس و آگاهی ذهنی است که در اثر کنش‌ها و تعاملات اجتماعی افراد با ساختارهای اجتماعی جامعه و محیط ارتباطی در ساختارهای ذهنی افراد که مورد تبعیض و نابرابری قرار می‌گیرند شکل می‌گیرد. زنان با احساسات، ادراکات و آگاهی‌های ذهنی شکل گرفته در جامعه و مراحل مختلف جامعه‌پذیری و با توجه به تعاملات اجتماعی و مشاهده نابرابری-های اجتماعی گوناگون موجود بین زنان و مردان به احساس و ادراک نابرابری‌های جنسیتی دست می‌یابند. در این فرایند نباید از نقشی که فمینیست‌ها ایفا کرده‌اند غافل بود.

فمینیست‌ها هم در کنار کارهای شناختی‌شان تلاش‌هایی عمل‌گرایانه نسبت به نابرابری جنسیتی داشته‌اند. از جمله، در پی آگاهی بخشی "درست" به زنان در ارتباط با وضعیت‌شان در خانواده، جامعه و تاریخ بوده‌اند. از جمله این اقدامات عمل‌گرایانه و شاید مهم-ترین این اقدامات تذکر موکد و مکرر به زنان است که وضعیت موجودشان را متعارف ندانند و مطلع شوند که در طول تاریخ و در چارچوب نظام پدرسالارانه حقوق انسانی‌شان نادیده گرفته شده است. به تعبیر دیگر، فمینیست‌ها عامل ستم جنسی را در ساختارهای اجتماعی و قدرت جستجو می‌کنند که در تقسیم جنسیتی کار، نقش‌پذیری و جامعه‌پذیری، زنان را به گونه‌ای بار می‌آورد که نابرابری جنسیتی را بپذیرند و خود را محدود به حوزه‌های خصوصی و کارهای خانه و مردان را متعلق به حوزه عمومی بدانند.

آگاهی بخشی فمینیست‌ها در یک قرن گذشته و تلاش‌های زنان و مردان فرهیخته و فعال حقوق زنان منجر به افزایش آگاهی درست و ادراک نابرابری‌های جنسیتی در بین زنان و حتی مردان جوامع مختلف شده و زنان در بیشتر کشورهای جهان بالاخص کشورهای جهان اول و دوم (کشورهای پیشرفته‌ای چون آمریکای شمالی، اروپای غربی و شوروی سابق^۱) موفق شده‌اند در برخی حوزه‌ها به حقوق متعادل‌تری با مردان دست یابند.

آگاهی بخشی فعالان حقوق زن، از جمله نحله‌های مختلف فمینیست، امروزه نه تنها منجر به افزایش احساس و ادراک نابرابری-های اجتماعی بویژه نابرابری‌های جنسیتی بوسیله همه زنان تحصیل کرده، شاغل و جوان شده بلکه این احساس و ادراک نابرابری جنسیتی در گروه‌های سنی میان سال یا پیر و با سطح سواد پائین تر از دیپلم و سیکل و زنان غیرشاغل نیز دیده می‌شود. زنان با آگاهی و ادراک‌شان از نابرابری‌های جنسیتی در پی پاسخگویی و پاسخ‌یابی به سؤالات ذهنی‌شان در خصوص این نابرابری‌ها و پیدا کردن راه‌هایی برای تعدیل این نابرابری‌ها بوده‌اند.

فمینیست مارکسیست‌ها (ریترز، ۱۳۸۲: ۴۸۳؛ مکینین^۲، ۱۹۸۲)، اعتقاد بر این دارند که زنان از همان چیزهایی مورد تبعیض و نابرابری قرار گرفته‌اند که پرولتاریا. آنها در درون طبقات‌شان از تبعیض‌ها و نابرابری‌های مختلف در مقایسه با مردان هم طبقه‌شان رنج برده و به دلیل این تبعیضات و نابرابری‌ها مورد استثمار قرار می‌گیرند. این زنان که در کار، مالکیت و... با مردان نابرابرند؛ به از خودبیگانگی دچار شده و تحت تسلط مردان طبقات خودشان و در سطح کلان تحت تسلط طبقه حاکم در می‌آیند.

چاقنز، نظریه‌پرداز نابرابری جنسیتی، نیز لایه‌بندی جنسیتی را متأثر از توزیع نابرابر منابع و فرصت‌ها به نفع مردان و به ضرر زنان در چارچوب ایدئولوژی مردسالاری و ساختارهای فرهنگی می‌داند که نابرابری‌های جنسیتی بیشتری را در پی داشته است (دهنوی و

^۱ بعد از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ دولت شوروی به زنان این کشور- بدون مبارزه فمینیست‌ها- حق رأی اعطا شد.

^۲ Mackinnone

معیدفر، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۳). پس نابرابری‌های جنسیتی خود ناشی از لایه‌بندی‌های جنسیتی در ساختارهای اجتماعی است و این لایه-بندی‌ها منجر به ایجاد فرصت‌های نابرابر در جامعه بین زنان و مردان گردیده است. زنان در چنین جوامعی به دلیل جنسیت‌شان از بسیاری از فعالیت‌ها به کناری نهاده شده‌اند که منجر به نابرابری‌های جنسیتی بر علیه زنان گردیده است. زمانی می‌توان در جامعه به برابری جنسیتی دست یافت که در جامعه لایه‌بندی جنسیتی نباشد. و توزیع منابع بین افراد به برابری انجام گیرد و فرصت‌های برابر بین زنان و مردان بوجود بیاید و افراد بر اساس استعدادشان از آن بهره‌مند گردند و نه جنسیت‌شان.

مطالعه احساس نابرابری جنسیتی در جوامع پیرامونی (نظیر ایران)، مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، پیچیده‌تر از مطالعه آن در جوامع مرکزی است. در جوامع مرکزی تغییرات بیشتر درون‌زا است و خاستگاه آنها محلی است. حال آنکه در جوامع پیرامونی اضافه بر شرایط و عوامل فعال در محل، تأثیرات بیرونی ناشی از مرکز نیز نقش قابل ملاحظه‌ای در تکوین پدیده‌های اجتماعی و تغییرات آنها ایفا می‌کنند. بنابراین، نادیده انگاشتن تأثیرات بیرونی تصویر ناقصی از تغییرات به دست می‌دهد. در کشورهای پیرامونی (نظیر ایران) همه اجتماعات و گروه‌ها به یک نسبت در معرض تغییرات بیرونی نبوده‌اند. بعضی اجتماعات (نظیر مرکز کشور و در درجه بعد شهرهای بزرگ) به لحاظ زمانی زودتر و به لحاظ درجه تأثیرپذیری شدیدتر از بیرون متأثر شده‌اند. در مقابل، بعضی اجتماعات (نظیر اجتماع مورد مطالعه این تحقیق) دیرتر و با شدت کمتری در معرض جهانی شدن قرار داشته و از آن تأثیر پذیرفته‌اند. اضافه بر آن، گروه‌های درون یک اجتماع معین (نظیر اجتماع شهر مراغه) هم به یک نسبت در معرض تأثیرات و تغییرات بیرونی نبوده‌اند. از این منظر، گروه‌هایی از زنان که بیشتر در معرض جهانی شدن بوده‌اند (نظیر زنان جوان‌تر، تحصیل کرده‌تر و شاغل) انتظار می‌رود که بیشتر نابرابری جنسیتی را احساس کنند. امکانات مالی و سکونت در نواحی مرفه‌نشین شهر هم می‌توانند در نقش عوامل تسهیل کننده دسترسی به ارزش‌های مدرن و تأثیرپذیری بیشتر از فرآیند جهانی شدن عمل کنند. از این رو، انتظار می‌رود زنان متعلق به خانواده‌های مرفه‌تر و زنان ساکن در مناطق مرفه‌نشین بیشتر از زنان متعلق به گروه‌های دیگر نابرابری جنسیتی را احساس کنند.

ابزار و روش تحقیق

در پاسخ به سؤالات مطرح شده تحقیق^۱، رویکردی ترکیبی (کیفی کمی) اتخاذ کردیم و آن را در دو مرحله اجرا کردیم. در مرحله اول مصاحبه‌ای نیمه ساختاریافته (اکتشافی) با ۲۳ زن ۱۸-۷۹ ساله و از طبقات مختلف جامعه، ساکن در شهر مراغه انجام گرفت که حاصل آن فهم نابرابری جنسیتی از نگاه زنان مصاحبه‌شونده، با رجوع به تجربه زیسته‌شان در خانواده و جامعه، و استخراج مؤلفه‌های مناسب و ساختن ابزار و گویه‌های احساس نابرابری جنسیتی بود. و بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل اولیه، وقتی متوجه شدیم مصاحبه‌شونده‌ها نظرات مشارکت‌کنندگان قبلی را می‌گویند مصاحبه‌ها به پایان رسید. در مرحله دوم، شاخص ساخته شده همراه با چند سؤال دموگرافیک (سن، تحصیلات، درآمدخانوادگی، منطقه محل سکونت و وضعیت اشتغال) به روش کمی (پیمایشی) بر روی نمونه‌ای ۴۲۰ نفر از زنان ۱۸ سال به بالای شهر مراغه (جامعه آماری زنان مراغه ۶۱۱۴۲ نفر (نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۱؛ سالنامه آماری استان آ.ش، ۱۳۹۱) و با استفاده از فرمول کوکران نمونه آماری به حجم ۴۲۰ زن تعیین شد) در پاییز ۱۳۹۵ اجرا گردید.

نمونه‌گیری در این تحقیق -در مرحله دوم- نمونه‌گیری سهمیه‌ای است. بر حسب حجم نمونه، و منطقه سکونت (طرح توسعه و عمران (جامع) شهر مراغه، ۱۳۹۰) سهمیه هر منطقه محاسبه شده است. یعنی، حجم نمونه برآورد شده را متناسب با حجم جمعیت

^۱ در قسمت مقدمه و بیان مساله

زنان مورد نظر در هر واحد سکونتی (منطقه و محله) توزیع کردیم تا ترکیب نمونه منطبق بر ترکیب جمعیت شود. به این ترتیب سهمیه هر واحد سکونتی از کل نمونه، شامل تعداد پاسخگویان، محاسبه گردید. پس از مشخص شدن سهمیه‌ها، تعداد پرسش‌نامه‌های محاسبه‌شده از سهمیه‌ها، از روش تصادفی ساده تکمیل شد.

برای ساختن شاخص احساس نابرابری جنسیتی ابتدا تعدادی مصاحبه اکتشافی (شامل ۲۳ مصاحبه) درباره این موضوع با زنان و دختران شهر مراغه انجام شد که حاصل آن آشنایی با فهم موضوع از نگاه زنان مصاحبه‌شونده و استخراج مؤلفه‌ها برای شاخص احساس نابرابری جنسیتی و ساختن گویه‌ها برای این احساس بود. پس از جمع‌آوری اطلاعات، گویه‌های مربوط به احساس نابرابری جنسیتی با استفاده از تحلیل عاملی مورد آزمون قرار گرفت. یکی از مؤلفه‌ها یا عوامل، با توجه به محتوای معنایی گویه‌های زیر آن، "احساس نابرابری جنسیتی در خانواده" نام‌گذاری شد. از میان گویه‌های زیر این عامل، گویه‌هایی انتخاب شدند که دارای بار عاملی نیم (۰/۵) یا بیشتر بودند. و تعدادی گویه نیز که دارای بار عاملی کمتر از نیم بود حذف شد. گویه‌های انتخاب شده همراه با بار عاملی آن‌ها در جدول (۱) آمده است.

جدول شماره ۱- گویه‌های شاخص احساس نابرابری جنسیتی

بار عاملی	گویه‌ها
۰.۶۴۴	۱- والدینم به پسرها بیشتر توجه می‌کردند.
۰.۵۹۷	۲- هنوز هم تبعیض بین دختر و پسر را از طرف والدینم احساس می‌کنم.
۰.۶۱۴	۳- در دوران کودکی ام تبعیض و تفاوت‌گذاری بین دختر و پسر را از طرف والدینم احساس می‌کردم.
۰.۸۰۳	۴- امروزه تبعیض بین دختران و پسران در خانواده نسبت به گذشته زیاد شده است.
۰.۷۸۶	۵- باگذشت زمان والدینم بین دختر و پسر بیشتر فرق می‌گذاشتند.
۰.۵۵۸	۶- در زمان دعوا در بین فرزندان والدینم طرف پسرها را می‌گرفتند.

بعد از تأیید روایی صوری، پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد و پایایی آن تأیید گردید. آلفای کرونباخ برای شش گویه شاخص احساس نابرابری جنسیتی در خانواده هم به مقدار ۰/۸۲۰ به دست آمد که حکایت از ضریب پایایی نسبتاً بالای این شاخص دارد.

ملاحظات مفهومی و نظری^۱

احساس نابرابری جنسیتی در درون خانواده: آن احساسی است که زنان آن خانواده با دیدن نابرابری‌ها و تبعیض‌های موجود در فرصت‌ها، موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی، منابع و ... در درون خانواده با مردان و پسران خانواده به آن احساس و ادراک دست می‌یابند. که این تبعیض‌ها و نابرابری‌ها به علت جنسیت فرزندان و اعضای خانواده بین آن‌ها ایجاد می‌شود. احساس نابرابری جنسیتی در خانواده را با استفاده از مؤلفه‌هایی مورد سنجش قرار دادیم که عبارتند از: توجه به پسرها، تبعیض و تفاوت‌گذاری بین فرزندان و طرفداری از پسرها.

^۱ - برخی مفاهیم چون احساس نابرابری جنسیتی در درون متن تعریف شده است.

تفاوت‌های گروهی: تفاوت در گروه‌بندی‌های سنی، تحصیلی، درآمد خانوادگی، محل سکونت و شغلی است. که در درون هر گروه تقسیم‌بندی شده است، که در گروه‌بندی‌های دو گروهی و چند گروهی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مثلاً سن به دو گروه سنی ۱۸-۳۵ و ۳۶-۷۹ و در گروه‌بندی چند گروهی به سه گروه ۳۰-۱۸، ۴۹-۳۱ و ۷۹-۵۰ گروه‌بندی شده است. دیگر گروه‌ها نیز به همین منوال تقسیم شده‌اند که در یافته‌های تحقیق آمده است.

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

۱) آمار توصیفی ویژگی‌های دموگرافیک: در ابتدا به خصوصیات زمینه‌ای ۴۲۰ پاسخگو در قالب جدول ۲ می‌پردازیم:

جدول شماره ۲- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان

متغیرها	ویژگیها	فراوانی	درصد	متغیرها	ویژگیها	فراوانی	درصد
سن	۱۸-۳۰	۱۶۱	۳۸/۳	وضعیت اشتغال	غیرشاغلین	۳۳۴	۷۹/۵
	۳۱-۴۹	۱۵۹	۳۷/۹		معلم	۱۶	۳/۸
	۵۰-۷۹	۱۰۰	۲۳/۸		کارمند	۱۷	۴
	کل	۴۲۰	۱۰۰		اشتغال در بخش تخصصی (وکیل، مهندس، پزشکی و پیراپزشکی، استاد)	۱۳	۳/۱
	کل	۴۲۰	۱۰۰		شغل آزاد و بازاری	۴۰	۹/۵
سطح تحصیلات	دیپلم و زیردیپلم	۲۵۸	۶۱/۴	کل	۴۲۰	۱۰۰	۲۳/۸
	فوق دیپلم و لیسانس	۱۲۸	۳۰/۵	حاشیه نشین	۱۰۰	۲۳/۸	۲۳/۸
	تحصیلات تکمیلی (ارشد، دکترا و بالاتر)	۳۴	۸/۱	فقیرنشین	۹۱	۲۱/۷	۲۱/۷
درآمد خانوادگی (تومان)	کل	۴۲۰	۱۰۰	متوسط نشین	۱۲۳	۲۹/۳	۲۹/۳
	زیر ۳۰۰ هزار	۶۸	۱۶/۲	مرفه نشین	۱۰۶	۲۵/۲	۲۵/۲
	۳۰۱ هزار تا ۷۰۰ هزار	۵۳	۱۲/۶	کل	۴۲۰	۱۰۰	۱۰۰
	۷۰۱ هزار تا ۱ میلیون	۷۷	۱۸/۳	حاشیه نشین	۱۰۰	۲۳/۸	۲۳/۸
	۱ میلیون و ۱ تا ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار	۲۰۲	۴۸/۱	فقیرنشین	۹۱	۲۱/۷	۲۱/۷

۲) آمار توصیفی گویه‌های متغیر وابسته: آمار توصیفی گویه‌های متغیر وابسته در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- آمار توصیفی گویه‌های مربوط به شاخص احساس نابرابری جنسیتی در خانواده (گویه‌های جدول ۱ و ۴)

گویه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی	کشنیدیگی
۱. والدینم به...	۴۲۰	۲/۶۴۳	۱/۵۲۳	۲/۳۲۱	-۰/۳۲۱	-۱/۲۱۹
۲. هنوز هم (امروزه)...	۴۲۰	۳/۳۹۵	۱/۶۲۱	۲/۶۲۶	-۰/۴۱۳	-۱/۳۱۶
۳. در دوران کودکی‌ام...	۴۲۰	۳/۴۵۷	۱/۶۰۳	۲/۵۶۹	-۰/۶۱۴	-۰/۹۶۷
۴. امروزه تبعیض...	۴۲۰	۳/۶۹۵	۱/۴۸۶	۲/۲۰۸	-۰/۷۶۱	-۰/۷۶۶
۵. باگذشت زمان...	۴۲۰	۳/۶۷۱	۱/۵۱۱	۲/۲۸۳	-۰/۸۳۱	-۰/۵۵۶
۶. در زمان دعوا در...	۴۲۰	۳/۳۰۰	۱/۷۲۹	۲/۹۸۹	-۰/۶۰۴	-۰/۹۶۳

ب) یافته‌های استنباطی

۱) میزان احساس نابرابری جنسیتی

در این تحقیق ما به دنبال مطالعه احساس نابرابری جنسیتی در خانواده توسط زنان شهر مراغه بودیم. می‌خواستیم ببینیم (۱) زنان این شهر، در زندگی روزمره‌شان در خانواده این نابرابری را احساس می‌کرده‌اند. اگر جواب مثبت است، با چه میزانی؟ و (۲) آیا نابرابری جنسیتی در همه گروه‌های زنان در این شهر به یک نسبت احساس می‌شده است؟ اگر پاسخ منفی است، کدام گروه‌های اجتماعی زنان این نابرابری را بیشتر احساس کرده‌اند.

در این قسمت در جدول ۴ یافته‌هایی را ارائه می‌دهیم که تا حدودی به سؤال اول این تحقیق پاسخ می‌دهد. در این جدول توزیع جواب‌های زنان نمونه شهر مراغه، شامل ۴۲۰ زن، برای هر گویه تشکیل دهنده شاخص و کل شاخص آورده شده است. عجلتاً به توزیع درصدی به "کل شاخص" توجه می‌کنیم.

جدول ۴- توزیع درصدی جواب گویه‌های مربوط به شاخص احساس نابرابری جنسیتی و کل شاخص (n=۴۲۰) (گویه‌های

جدول ۱)

به درصد بیان شده است (%)								گویه‌ها
جمع	بی پاسخ	اصلا	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	
۱۰۰	۱/۷	۲۰	۸/۶	۲۱/۲	۱۷/۹	۳۰/۷	۲/۶۴۳	۱. والدینم به پسرها ...
۱۰۰	۱/۹	۴۲/۱	۹	۱۶/۲	۱۳/۳	۱۷/۴	۳/۳۹۵	۲. هنوز هم (امروزه) تبعیض بین دختر... ..
۱۰۰	۳/۶	۴/۲	۱۴/۸	۱۷/۹	۸/۳	۱۵/۲	۳/۴۵۷	۳. در دوران کودکی‌ام تبعیض... ..
۱۰۰	۱	۴۶/۴	۱۳/۶	۱۸/۳	۷/۴	۱۳/۳	۳/۶۹۵	۴. امروزه تبعیض بین دختران و پسران... ..
۱۰۰	۲/۶	۴۴/۸	۱۶/۴	۱۶/۷	۸/۱	۱۱/۴	۳/۶۷۱	۵. باگذشت زمان (امروز)، والدینم بین... ..
۱۰۰	۹/۵	۳۸/۶	۱۲/۴	۲۰/۵	۷/۱	۱۱/۹	۳/۳۰۰	۶. در زمان دعوا در بین فرزندان... ..
۱۰۰	۳/۴	۳۸/۷	۱۲/۵	۱۸/۵	۱۰/۴	۱۶/۷	۳/۳۶۰	کل شاخص برای ۶ گویه

از این جدول چنین بر می‌آید که، بر مبنای شاخص مورد استفاده در این تحقیق و به طور متوسط، احساس نابرابری جنسیتی در میان زنان شهر مراغه ضعیف است. در واقع از هر ۴ نفر زن تنها یکی (۲۷ درصد) در حد زیاد یا خیلی زیاد نابرابری جنسیتی در خانواده را احساس کرده است. به تعبیر دیگر، در بقیه زنان این احساس کم (۱۸,۴ درصد) یا خیلی کم و در حد صفر (۴۱,۱۵ درصد) بوده است. این نتیجه را شاید بتوان به صورت‌های زیر تفسیر کرد:

(۱) در تجربه زیسته زنان شهر مراغه نابرابری جنسیتی در خانواده کم بوده است؛ (۲) یا اینکه نابرابری جنسیتی^۱ (شکر بیگی، ۱۳۹۶؛ فتحی و مختارپور، ۱۳۹۶؛ ناصری و ناصری، ۱۳۹۵؛ افشاری و کاکاوند، ۱۳۹۵؛ صداقتی فرد و سخامهر، ۱۳۹۲ و...) توسط زنان این شهر عادی و طبیعی تلقی می‌شود و از این روست که به درستی ادراک نشده است. به عبارت دیگر به دلیل طبیعی و عادی تلقی شدن تبعیض‌ها توسط زنان این شهر، نابرابری جنسیتی ضعیف ادراک و احساس شده است.

۱ - بر طبق نتایج تحقیقات ماسبق در ایران و با فرض اینکه نابرابری جنسیتی وجود دارد در این مقاله در پی بررسی احساس نابرابری جنسیتی شدیم.

ج) تفاوت‌های گروهی در احساس نابرابری جنسیتی

سوال دوم تحقیق را که شاید با توجه به عنوان این مقاله از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، دوباره در این جا می‌آوریم: "آیا نابرابری جنسیتی در همه گروه‌های زنان در این شهر به یک نسبت احساس می‌شده است؟ اگر پاسخ منفی است، کدام گروه‌های اجتماعی زنان این نابرابری را بیشتر احساس کرده‌اند؟" به تعبیر دیگر، علی‌رغم سطح پایین احساس نابرابری جنسیتی در تجربه زیسته زنان این شهر در خانواده، می‌خواهیم بدانیم که این تجربه، هر چند ضعیف، در زنان گروه‌های سنی، تحصیلی، درآمدی و سکونت‌ی مختلف و همچنین در بین زنان شاغل و غیرشاغل به یک نسبت بوده است یا این که بعضی از گروه‌ها قویتر از گروه‌های دیگر این نابرابری را احساس کرده‌اند؟

زنان را می‌توان به انحای گوناگون طبقه‌بندی کرد. ساده‌ترین طبقه‌بندی تشکیل یک طبقه‌بندی دو گروهی است. طبقه‌بندی دو گروهی، علی‌رغم انتقاد وارده به آن به لحاظ از دست رفتن اطلاعات، دارای این امتیاز است که از طریق آن تفاوت‌ها راحت‌تر فهمیده و نتایج هم راحت‌تر تفسیر می‌شوند. از این رو، ابتدا زنان را در دو گروه سنی طبقه‌بندی کرده و نتایج را ارائه و مقایسه می‌کنیم. سپس، برای مطالعه ظرافت‌ها با جزئیات بیشتر، مقایسه را به چند گروه تسری می‌دهیم.

۱- تفاوت‌های گروهی بر حسب سن

یکی از ملاک‌هایی که می‌خواستیم زنان را بر حسب آن طبقه‌بندی و احساس نابرابری جنسیتی آن‌ها را بر مبنای آن مقایسه کنیم سن زنان بود. در جدول ۵ زنان ابتدا در دو طبقه نسبتاً بزرگ (زیر ۳۶ ساله و ۳۶ ساله و بیشتر) طبقه‌بندی شدند. بنا بر یافته‌های مندرج در این قسمت از جدول، احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در تجربه زیسته‌شان در خانواده در میان زنان جوان‌تر (زیر ۳۶ ساله) قوی‌تر از این احساس در میان زنان سالخورده‌تر (۳۶ ساله و بالاتر) است. اضافه بر آن، تفاوت دو گروه در احساس نابرابری جنسیتی برای این حجم نمونه به لحاظ آماری معنی‌دار است. این نتیجه شاید برگردد به توجه بیشتر زنان جوان‌تر به نابرابری جنسیتی تجربه شده‌شان که خود می‌تواند ناشی از آگاهی بیشتر زنان جوان‌تر از این نابرابری‌ها باشد.

از یافته‌های طبقه‌بندی دو گروهی شاید بتوان به طور کلی به این نتیجه رسید که زنان جوان‌تر نابرابری جنسیتی در تجربه زیسته‌شان در خانواده را بیشتر از زنان سالخورده‌تر احساس می‌کنند. گرچه این نتیجه‌گیری به طور کلی درست است ولی طبقه‌بندی احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در سه گروه سنی اطلاعات بیشتری به دست می‌دهد. بنا بر میانگین‌های مندرج در جدول ۵ احساس نابرابری جنسیتی زنان ۵۰ ساله و بیشتر در تجربه زیسته‌شان در شهر مراغه کمتر از دو گروه سنی جوان‌تر است. این یافته همسو با نتیجه‌گیری برآمده از طبقه‌بندی دو گروهی است. این در حالی است که مقایسه دو گروه دیگر در طبقه‌بندی چند گروهی نتایج مغایر با انتظارات کلی مزبور به دست می‌دهد. در واقع، احساس نابرابری جنسیتی زنان ۳۰ ساله و کمتر ضعیف‌تر از این احساس در میان زنان ۳۱-۴۹ ساله است. این شاید برگردد به این که اغلب زنان ۳۰ ساله و کمتر، اگر ازدواج کرده باشند، در ده دوازده سال اول زندگی مشترکشان هستند. به تعبیر دیگر، اکثریت آن‌ها یا بچه ندارند و یا یک بچه (از یک جنس) دارند. لذا، به عنوان مادر، تبعیض جنسیتی را هنوز تجربه نکرده‌اند.

۲- تفاوت‌های گروهی بر حسب سطح تحصیلات زنان

یکی از ملاک‌های دیگری که می‌خواستیم زنان را بر حسب آن طبقه‌بندی و احساس نابرابری جنسیتی آن‌ها را بر مبنای آن مقایسه کنیم سطح تحصیلات زنان بود. بنا بر یافته‌های مندرج در جدول ۵ قسمت طبقه‌بندی دو گروهی، احساس زنان در تجربه زیسته‌شان

در میان زنان شهر مراغه با تحصیلات دانشگاهی (بالای دیپلم) نابرابری جنسیتی در خانواده را قوی‌تر از زنان با تحصیلات دیپلم و زیردیپلم احساس کرده‌اند. اضافه بر آن، تفاوت دو گروه در احساس نابرابری جنسیتی برای این حجم نمونه به لحاظ آماری معنی‌دار است. این نتیجه شاید برگردد به توجه بیشتر زنان تحصیل کرده دانشگاهی به نابرابری جنسیتی تجربه شده‌شان که خود می‌تواند ناشی از آگاهی بیشتر زنان با تحصیلات دانشگاهی از این نابرابری‌ها باشد.

طبقه‌بندی زنان با تحصیلات دانشگاهی در دو گروه زنان با تحصیلات دیپلم و لیسانس و ارشد و بالاتر هم نشان می‌دهد که افزایش در تحصیلات دانشگاهی هم تفاوت ایجاد می‌کند به طوری که افزایش در تحصیلات دانشگاهی احساس نابرابری جنسیتی زنان را در تجربه زیسته‌شان در خانواده افزایش می‌دهد (نگاه کنید به قسمت طبقه‌بندی چند گروهی). به تعبیر دیگر شاید بتوان یک رابطه خطی بین سطح تحصیلات زنان و احساس نابرابری جنسیتی را استنباط کرد. بدین صورت که با افزایش سطح تحصیلات زنان احساس نابرابری جنسیتی آنها در تجربه زیسته‌شان در خانواده هم افزایش می‌یابد. این شاید برگردد به این که اغلب زنان فوق با تحصیلات دیپلم و کمتر یا خانه‌دار یا بیکارند و یا در مشاغل آزاد خانگی مشغولند. اگر زنان خانه‌دار یا بیکار باشند این گروه از زنان چون در حوزه‌های عمومی و ادوات کمتر حاضر می‌شوند و بیشتر طول روز و هفته را در حوزه‌های خصوصی و منازل‌شان می‌گذرانند ایشان به دلیل حضور کمتر در جامعه و مواجهه کمتر با تبعیض‌های جنسیتی این نوع نابرابری‌ها را کمتر تجربه می‌نمایند. اگر در مشاغل آزاد مشغول کار باشند به دلیل اینکه در این اصناف بیشتر با زنان سروکار دارند تبعیض‌های جنسیتی زیادی را شاهد نیستند.

۳- تفاوت‌های گروهی بر حسب سطح درآمد خانواده

یکی از ملاک‌های دیگری که می‌خواستیم زنان را بر حسب آن طبقه‌بندی و احساس نابرابری جنسیتی آن‌ها را بر مبنای آن مقایسه کنیم میزان درآمد خانواده بود. در این مورد هم زنان را ابتدا به دو گروه درآمدی و سپس برای مطالعه جزئی‌تر به چند گروه درآمدی تقسیم کردیم. زنان در دو طبقه نسبتاً بزرگ (زیر یک میلیون، یک میلیون و بالاتر) طبقه‌بندی شده‌اند. بنا بر یافته‌های مندرج ۵، قسمت طبقه بندی دو گروهی درآمد، احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در تجربه زیسته‌شان در خانواده در میان زنان با درآمد خانوادگی متوسط و بالاتر (بالای یک میلیون) به طرز معنی‌داری قویتر از این احساس در میان زنان کم بضاعت (زیر یک میلیون) است. این نتیجه شاید برگردد به توجه بیشتر زنان با درآمد متوسط و بالاتر به نابرابری جنسیتی تجربه شده‌شان که خود می‌تواند ناشی از آگاهی بیشتر زنان با درآمدهای متوسط و بالاتر از این نابرابری‌ها باشد.

جدول ۵- مقایسه احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در تجربه زیسته‌شان در خانواده در گروه‌ها

سطح معنی‌داری	آزمون	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه‌ها	طبقه بندی گروه‌ها	
.۰۰۳	t=۲/۱۸	۶/۴۸	۲۰/۸۲	۲۳۳	زیر ۳۶ ساله	دو گروهی	سنی
		۷/۲۷	۱۹/۳۵	۱۸۷	۳۶ ساله و بیشتر		
.۰۰۲	F=۳/۹۲	۶/۵۲	۲۰/۱۱	۱۶۱	۱۸-۳۰	چند گروهی	
		۶/۷۶	۲۱/۱۴	۱۵۹	۳۱-۴۹		
		۷/۴۰	۱۸/۷۰	۱۰۰	۵۰-۷۹		
.۰۰۰	t=-۴/۶۷	۷/۰۰	۱۸/۹۵	۲۵۸	دیپلم و زیردیپلم	دو گروهی	
		۶/۲۱	۲۲/۰۹	۱۶۲	بالای دیپلم		
.۰۰۰	F=۱۱/۲۲	۷/۷۰	۱۸/۹۵	۲۵۸	دیپلم و زیر دیپلم	چند	

سطح معنی‌داری	آزمون	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروهها	طبقه بندی گروهها	
						گروهی	
		۶/۲۲	۲۱/۸۸	۱۲۸	فوق دیپلم و لیسانس	گروهی	
		۶/۲۳	۲۲/۹۱	۳۴	ارشد و بالاتر		
۰/۰۰۵	= -۲/۸۰۶ t	۶/۹۶	۱۹/۱۶	۱۹۶	زیر یک میلیون	دو گروهی	درآمد خانواده
		۶/۷۰	۲۱/۰۴	۲۲۴	یک میلیون و بالاتر		
۰/۰۵۹	F=۲/۲۸۶	۶/۹۳	۱۹/۲۱	۶۸	زیر سیصد هزار تومان	چند گروهی	
		۶/۵۷	۱۹/۷۵	۵۳	سیصد هزار تا هفتصد هزار		
		۷/۲۳	۱۸/۷۵	۷۷	هفتصد هزار تا یک میلیون		
		۶/۸۲	۲۰/۹۲	۲۰۲	یک میلیون تا ۵ میلیون و پانصد هزار		
		۵/۶۷	۲۲/۲۵	۲۰	۵ میلیون و پانصد هزار به بالا (تا ۵۰ میلیون)		
۰/۰۰۲	t=-۳/۰۶۴	۶/۹۰	۱۹/۰۴	۱۹۱	حاشیه نشین و فقیر نشین	دو گروهی	
		۶/۷۳	۲۱/۰۹	۲۲۹	متوسط نشین و مرفه نشین		
۰/۰۱۴	F=۳/۵۶۱	۶/۶۵	۱۹/۵۸	۱۰۰	حاشیه نشین	چند گروهی	طبقه بندی سکونتی
		۷/۱۵	۱۸/۴۶	۹۱	فقیر نشین		
		۷/۱۳	۲۱/۰۱	۱۰۶	مرفه نشین		
		۶/۴۰	۲۱/۱۶	۱۲۳	متوسط نشین		
۰/۰۲۵	t= -۲/۲۴۵	۶/۹۲	۱۹/۷۸	۳۳۴	غیر شاغل	دو گروهی	
		۶/۵۴	۲۱/۶۴	۸۶	شاغل		
۰/۰۳۳	F= ۲/۶۴۴	۶/۸۷۹	۱۹/۸۲۳	۳۳۴	غیر شاغلین	چند گروهی	وضع اشتغال
		۶/۳۴۲	۱۸/۸۱۳	۱۶	معلم		
		۴/۷۳۷	۲۴/۷۶۵	۱۷	کارمند		
		۸/۳۲۱	۲۰/۶۹۲	۱۳	اشتغال در بخش تخصصی (وکیل، مهندس، پزشکی و پیراپزشکی، استاد)		
		۶/۷۸۵	۲۱/۴۰	۴۰	آزاد و بازاری		

طبقه‌بندی احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در پنج گروه درآمدی اطلاعات بیشتری به دست می‌دهد. بنا بر میانگین‌های مندرج در جدول ۵ احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه با درآمد هفتصد هزار تا یک میلیون کمتر از چهار گروه دیگر است. این یافته همسو با نتیجه‌گیری برآمده از طبقه‌بندی دو گروهی است. این در حالی است که مقایسه چهار گروه دیگر در طبقه‌بندی چند گروهی نتایجی مغایر با انتظارات کلی مزبور به دست می‌دهد. در واقع، احساس نابرابری جنسیتی زنان زیر سیصد هزار تومان ضعیف‌تر از این احساس در میان زنان با درآمدهای خانوادگی بین سیصد تا هفتصد هزار تومان، یک میلیون تا پنج میلیون و پانصد هزار؛ و پنج میلیون و پانصد هزار به بالا (تا ۵۰ میلیون) است. این شاید برگردد به این که اغلب زنان زیر سیصد هزار تومان، یا در منطقه فقیرنشین اند یا حاشیه نشین. اگر در منطقه حاشیه نشین باشند به دلیل زیرخط فقر بودن و مشکلات اقتصادی همیشه در فکر رفع نیازهای اولیه خود و خانواده‌هایشان هستند و فرصت فکر کردن و اندیشیدن در مورد حق و حقوق زنان را ندارند تا بخواهند با اندیشه‌های جدید در ارتباط با زنان و حقوق‌شان آشنا شوند. لذا به عنوان یک زن وضع موجود را تبعیض جنسیتی نمی‌دانند و اگر در

منطقه فقیرنشین باشند علاوه بر موارد بالا، چون اکثر ساکنین این مناطق از خانواده‌های سنتی و قدیمی مراغه هستند و همیشه به مردان بیشتر از زنان در خانواده‌ها ارزش و اهمیت داده شده است زنان این مناطق نیز تبعیض جنسیتی را آنگونه که باید و شاید احساس نمی‌کنند.

۴- تفاوت های گروهی بر حسب محل سکونت در شهر

یکی دیگر از ملاک‌ها که می‌خواستیم زنان را بر حسب آن طبقه‌بندی و احساس نابرابری جنسیتی آن‌ها را بر مبنای آن مقایسه کنیم مناطق مسکونی زنان بود. در جدول ۵ زنان ابتدا در دو طبقه نسبتاً بزرگ (حاشیه و فقیرنشین؛ متوسط و مرفه نشین) طبقه بندی شدند. بنا بر یافته‌های مندرج در این قسمت از جدول، احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در تجربه زیسته‌شان در خانواده در میان زنان مناطق متوسط و بالاتر (متوسط و مرفه‌نشین) قوی‌تر از این احساس در میان زنان فقیر (حاشیه و فقیرنشین) است. اضافه بر آن، تفاوت دو گروه در احساس نابرابری جنسیتی برای این حجم نمونه به لحاظ آماری معنی‌دار است. این نتیجه شاید برگردد به توجه بیشتر زنان مناطق متوسط و بالاتر به نابرابری جنسیتی تجربه شده‌شان که خود می‌تواند ناشی از آگاهی بیشتر زنان مناطق متوسط و بالاتر از این نابرابری‌ها باشد.

طبقه بندی احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در چهار گروه سکونتی به دلیل تفصیل بیشتر البته اطلاعات بیشتری به دست می‌دهد. بنا بر میانگین‌های مندرج در جدول ۵، قسمت طبقه‌بندی چند گروهی، احساس نابرابری جنسیتی زنان منطقه فقیرنشین شهر مراغه در تجربه زیسته‌شان کمتر از سه گروه دیگر است. این یافته همسو است با نتیجه‌گیری برآمده از طبقه‌بندی دو گروهی است. این در حالی است که مقایسه سه گروه دیگر در طبقه‌بندی چند گروهی نتایجی مغایر با انتظارات کلی مزبور به دست می‌دهد. در واقع، احساس نابرابری جنسیتی زنان حاشیه‌نشین ضعیف‌تر از این احساس در میان زنان با مناطق مرفه نشین و متوسط نشین است. این شاید برگردد به این که اغلب زنان مناطق حاشیه نشین آگاهی کمتری دارند که ناشی از پائین بودن سطح تحصیلات زنان هست. به تعبیر دیگر اکثریت آنها دانشگاه نرفته یا بی‌سوادند. آنها قادر نیستند از وسایل ارتباط جمعی چون روزنامه، کتاب و اینترنت استفاده کنند یا درست استفاده نمایند تا با افکار و اندیشه‌های جدید آشنا شوند و به برابری حقوق زنان و مردان آگاه شوند. لذا به عنوان یک زن وضع موجود را نابرابری جنسیتی نمی‌دانند. اگر در منطقه فقیرنشین باشند چون اکثر ساکنین این مناطق از خانواده‌های سنتی و قدیم مراغه هستند و اغلب این خانواده‌ها ارزش‌های اسلامی و دینی را ارج می‌نهند و دیدگاه‌های اسلامی در ارتباط با زن را کاملاً "قبول دارند و دختران چنین خانواده‌هایی چون با این ارزش‌ها بزرگ می‌شوند و اکثر قریب به اتفاق دختران این مناطق از تحصیلات دانشگاهی بازداشته شده‌اند و یا تحصیلات ابتدایی تا حد دیپلم را دارند دختران و زنان این مناطق نیز تبعیض جنسیتی را آنگونه که باید و شاید احساس نمی‌کنند.

۵ - تفاوت های گروهی بر حسب وضع اشتغال زنان

ملاک نهایی که می‌خواستیم زنان را بر حسب آن طبقه بندی و احساس نابرابری جنسیتی آن‌ها را بر مبنای آن مقایسه کنیم وضع اشتغال زنان بود. در جدول ۵ زنان را ابتدا در دو گروه شغلی طبقه‌بندی کرده و سپس برای مطالعه عمیق‌تر به چندگروه شغلی تقسیم کردیم. زنان در دو طبقه نسبتاً بزرگ (شاغلین و غیرشاغلین) طبقه‌بندی شدند. بنا بر یافته‌های مندرج در جدول ۵، احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در تجربه زیسته‌شان در خانواده در میان زنان شاغل قوی‌تر از این احساس در میان زنان غیرشاغل (خانه‌دار و بیکار) است. علاوه بر آن، تفاوت دو گروه در احساس نابرابری جنسیتی برای این حجم نمونه به لحاظ آماری معنی‌دار است. این

نتیجه شاید برگردد به توجه بیشتر زنان شاغل به نابرابری جنسیتی در تجربه‌شان که خود می‌تواند ناشی از آگاهی بیشتر زنان شاغل از این نابرابری‌ها و آگاهی کمتر زنان غیرشاغل که ناشی از پائین بودن سطح تحصیلات این زنان هست. به تعبیر دیگر اکثریت غیرشاغلین تحصیلات دانشگاه ندارند، کم سواد و یا بی‌سوادند. آنها در حوزه‌های عمومی جامعه و ادارات که محل کار و کوشش است زیاد حاضر نمی‌شوند و اگر در این حوزه‌ها هم حاضر شوند برای یک مدت کوتاه و برای انجام کارهای سریع روزانه است و بعد به حوزه خصوصی - یعنی منزل - بر می‌گردند. چون ایشان به مقررات و قوانین واقف نیستند و با وضعیت حقوقی زنان در جامعه و دیدگاه حاکمیت در ارتباط با زنان کمتر آشنا هستند و به برابری حقوق زنان و مردان آگاهی کمتری دارند. لذا به عنوان یک زن وضع موجود را نابرابری جنسیتی علیه زنان نمی‌دانند و تبعیض جنسیتی را آنگونه که باید و شاید احساس نمی‌کنند.

طبقه‌بندی احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در پنج گروه اشتغال اطلاعات بیشتری به دست می‌دهد. بنا بر میانگین - های مندرج در جدول ۵ احساس نابرابری جنسیتی زنان شهر مراغه در گروه معلم‌ها کمتر از چهار گروه دیگر است. این یافته همسو با نتیجه‌گیری برآمده از طبقه‌بندی دو گروهی نیست. این در حالی است که مقایسه چهار گروه دیگر در طبقه بندی چند گروهی نتایجی همسو با انتظارات کلی مزبور به دست می‌دهد. در واقع، احساس نابرابری جنسیتی زنان غیرشاغل ضعیف تر از این احساس در میان زنان کارمند، اشتغال در بخش تخصصی (وکیل، مهندس، پزشکی، پیراپزشکی، استاد)؛ مشاغل آزاد و بازاری است. این شاید برگردد به این که اغلب زنان که در بخش تخصصی که خود اشتغال هستند، به دلیل داشتن تحصیلات و درآمدهای همسان با مردان نابرابری جنسیتی کمتری را، نسبت به زنان کارمند که در ادارات دولتی و خصوصی مشغول به کار هستند و از خدمات مختلف دولتی در رابطه به بیمه و ... برای سرپرستان خانوار (مردان) بهره‌مند نیستند، احساس می‌کنند. همچنین زنان شاغل در بخش آزاد و خصوصی نیز نسبت به زنان غیرشاغل، نابرابری جنسیتی بیشتری را به دلیل حضور بیشتر در جامعه و بالاتر رفتن آگاهی شان نسبت به حقوق افراد احساس می‌نمایند.

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق در پی مطالعه احساس نابرابری جنسیتی در تجربه زیسته زنان شهر مراغه در خانواده بودیم. فرض کردیم نابرابری جنسیتی وجود دارد و زنان شهر مراغه آن را در زندگی خود در خانواده تجربه کرده‌اند. در ادامه سؤالاتی پرسیدیم. در پاسخ به سؤالات مزبور، نمونه‌ای به حجم ۴۲۰ زن را از میان جمعیت زنان ۱۸ ساله و بالاتر شهر مراغه برگزیدیم تا جواب سؤالات تحقیقی مان را از اطلاعاتی که این زنان در اختیارمان می‌گذارند، با پیروی از رویکرد روشی اکتشافی، توصیفی، مقایسه‌ای بیرون بکشیم. به تعبیر دیگر، سعی کردیم جواب سؤالات تحقیقی مان را، به جای اطلاعات نظری، بیشتر از داده‌های تجربی به دست آوریم.

در رابطه با سؤال تحقیقی اول دریافتیم که، برخلاف انتظارات جا افتاده ما، احساس نابرابری جنسیتی در تجربه زیسته زنان شهر مراغه در خانواده بسیار ضعیف است. در واقع، اکثریت پاسخگویان یا چنین احساسی نداشتند و یا در حد بسیار ضعیفی نابرابری جنسیتی را احساس می‌کردند. این یافته برای ما غیر منتظره بود. زیرا فرض اساسی ما را در خصوص وجود نابرابری جنسیتی در خانواده به چالش می‌کشید. در واقع، این یافته برای ما غیر منتظره سؤالات پژوهشی دیگری را پیش می‌آورد: آیا واقعاً زنان شهر مراغه نابرابری جنسیتی را در خانواده تجربه نکرده‌اند؟ یا این که نابرابری جنسیتی وجود داشته ولی این زنان به حدی آن را عادی و طبیعی تلقی کرده‌اند که به ادراک‌شان در نیامده است. جواب دادن به این سؤالات البته مستلزم تحقیقات بیشتری است.

این یافته منطبق با یافته تحقیق کیانی و رهنمافلورجانی (۱۳۹۴) که احساس نابرابری جنسیتی در بین زنان اصفهان را متوسط ارزیابی کرده‌اند، نیست. همچنین این تحقیق همسو با نظر چافتز است که تغییر در ویژگی‌های جمعیتی، تکنولوژیکی، سیاسی و

اقتصادی یک جامعه می‌تواند تغییر در نظام نابرابری جنسیتی بوجود آورد. در نتیجه ادراک نابرابری جنسیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به نتیجه تحقیق و با توجه به چارچوب نظری (نظریه‌های مارکس، فمینیسم و نابرابری جنسیتی چافتز) می‌توان اظهار کرد که نابرابری‌های جنسیتی ساخته پرداخته ساختارهای اجتماعی- فرهنگی جامعه و خانواده‌ها هستند. زنان وقتی در جامعه به کنش با دیگر زنان و افراد جامعه می‌پردازند؛ در این کنش و تعاملات ساختارهای ذهنی‌شان بگونه‌ای شکل می‌گیرد که به بسیاری از مسایل اطراف‌شان حساس شده و درک‌شان از موضوعات دور و برشان بیشتر شود. به هویت فردی و جنسیتی‌شان پی برده و با مقایسه همه چیزهای اطراف‌شان به تفکیک‌شدگی بیشتر آنها آگاه شوند. بویژه به تفکیک‌شدگی جهان بر اساس جنسیت، تقسیم جهان اطراف به حوزه‌های خصوصی و عمومی، زنانه و مردانه و... آگاه می‌شوند. زنان با این آگاهی و مشاهده تأثیرات این تقسیم‌بندی جنسیتی در زندگی و تجربه گروهی‌شان از این تمایزات و تبعیض‌ها، و با تعاملات‌شان، آگاهی از خود و از جهان‌شان نیز بیشتر شده؛ با بالا رفتن آگاهی و شکل‌گیری این ادراکات و احساسات آنرا درونی می‌کنند. در طی زندگی‌شان بر این ادراکات افزوده و به احساس نابرابری جنسیتی پی می‌برند. پس آگاهی در احساس و ادراک نابرابری‌های جنسیتی نقش اساسی دارد و باید زنان و دختران در پی آگاهی یافتن افزون‌تر و آگاهی بخشی به دیگر زنان و دختران باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت زنان در زندگی و حیات اجتماعی‌شان به ادراک و احساس نابرابری جنسیتی دست می‌یابند و عوامل مختلفی نیز در بالا رفتن این ادراک و احساس تأثیرگذار است. حال اگر زنان در طول حیات‌شان در حوزه‌های عمومی کمتر حاضر شده و تمامی نیازهای فردی، مادی، معنوی و روحی-روانی خود را در چارچوب حوزه خصوصی و خانواده رفع نماید در نتیجه زنان به دلیل عدم مقایسه بین وضعیت زنان و مردان در جامعه و در درون خانواده‌ها کمتر آگاه شده و در نتیجه به احساس و ادراک نابرابری جنسیتی در خانواده کمتر نائل می‌شوند. و تجربه زیسته خود در ارتباط با وضعیت زنان در زندگی روزانه را وضعیت خوب و گاهی ایده‌آل تصور می‌نمایند. با تصور زنان در زندگی خانوادگی خود نابرابری‌های جنسیتی را زیاد احساس و ادراک نمی‌کنند و یا هم در حد ضعیف این احساس و ادراک نابرابری جنسیتی در خانواده بدست می‌آید.

در پاسخ به سؤال تحقیقی دوم، صرف نظر از استثنائات، به یک تصویر کلی رسیدیم که آن را شاید بتوان در این گزاره تئوریک فشرده کرد: کسانی که از فرصت‌های بیشتری در زندگی برخوردارند بیشتر از دیگران این نابرابری جنسیتی را احساس می‌کنند. به تعبیر دیگر، زنان با تحصیلات بالاتر، درآمد خانوادگی بیشتر و ساکن در محلات متوسط و مرفه‌نشین بیشتر از زنان با تحصیلات پایین، درآمد خانوادگی کمتر و ساکن در محلات حاشیه‌نشین و فقیرنشین نابرابری جنسیتی را احساس می‌کنند. همچنین دریافتیم که زنان جوان‌تر، حائز تجربه زیسته مربوط به نابرابری جنسیتی، بیشتر از زنان میان‌سال و مسن‌تر و زنان شاغل در بیرون از منزل بیشتر از زنان غیرشاغل نابرابری جنسیتی را احساس می‌کنند.

با توجه به نتایج تحقیق و با توجه به رویکردی نظری (نظریه‌های مارکس، فمینیسم و نابرابری جنسیتی چافتز) می‌توان اظهار کرد که ادراک و احساس نابرابری جنسیتی ساخته پرداخته ساختارهای اجتماعی- فرهنگی جامعه است. زنان با حضور در حوزه‌های عمومی و جامعه، با تعاملات و کنش‌های‌شان با ساختارهای اجتماعی به خودآگاهی از وضعیت خود و دیگر زنان و مردان رسیده و با مشاهده توزیع نابرابر فرصت‌ها، منابع، امکانات، موقعیت‌ها و... در خانواده و ساختار قدرت مسلط مردان به نابرابری‌های جنسیتی پی می‌برند. با ملاحظه جایگاه و منزلت زنان در خانواده و اجتماع ساختارهای ذهنی‌اش دوباره سازمان‌دهی شده و با توجه به اینکه زنان دائماً در حال کنش با ساختارهای اجتماعی هستند و با وجود چنین ساختارهایی قادر نیستند نیازهای اجتماعی و فردی‌شان را پاسخ دهند و رفع نمایند، چون مشاهده نابرابری جنسیتی به صورت گروهی و طبقاتی بین همه زنان اتفاق می‌افتد، به آگاهی دست می‌یابند. و با توجه به هویت‌یابی زنان در جامعه که خود تحت تأثیر تفکیک‌شدگی زیاد بین مردان و زنان بوده و زنان نیز تصور قوی از

خود و دیگران دارند، در مقام مقایسه به ادراک نابرابری‌های جنسیتی در خانواده نائل می‌شوند. زنان به دلیل اینکه در سنین مختلف بوده و در زمینه اشتغال در برابر خواسته‌شان مبنی بر داشتن درآمد و شغل یک مانع ایجاد شده و طبقه اجتماعی‌شان بر انتخاب محل سکونت و میزان تحصیلات‌شان مؤثر بوده است. با وجود تقسیم جنسیتی کار و طبقه زنان در جامعه مورد ستم، انقیاد و سوء استفاده واقع می‌گردند و با وجود آگاهی و ساختارهای ذهنی‌شان به ادراک و احساس نابرابری جنسیتی در جامعه نائل می‌گردند و با مقایسه همه این نابرابری‌ها در سطح زنان و مردان خانواده این نابرابری‌های جنسیتی در تجربه زیسته‌شان در خانواده را ادراک و احساس می‌نمایند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت زنان زمانی می‌توانند به آگاهی طبقاتی در نابرابری جنسیتی برسند که به احساس و ادراک نابرابری جنسیتی برای خود به صورت گروهی برسند.

در ادامه بحث و نتیجه‌گیری و بر طبق نظریات مختلف نابرابری جنسیتی مورد استفاده در چارچوب این تحقیق می‌توان اذعان داشت که، ساختارهای اجتماعی جامعه در طول تاریخ بگونه‌ای پایه‌ریزی شده که چیزی جز نابرابری‌های اجتماعی بالاخص نابرابری جنسیتی را در بر ندارد؛ چون، ساختارهای اجتماعی مانند چارچوب‌هایی عمل می‌کند که افراد را به کنش کردن در درون‌شان وادار می‌سازد. زنان نیز در درون این چارچوب‌ها وقتی دست به کنش‌هایی با افراد دیگر جامعه می‌زنند پی به وجود این تبعیض‌ها می‌برند. چون، ساختارهای ذهنی‌شان در طول حیات‌شان در جامعه شکل گرفته و منجر به آگاهی زنان شده است. پس، زنان تک تک و یا جمعی به ادراک نابرابری جنسیتی دست می‌یابند اما زمانی این احساس و ادراک نابرابری‌های جنسیتی می‌تواند کارساز باشد که تجربه نابرابری‌ها که به صورت «ادراک/ احساس نابرابری‌های جنسیتی در خود» است به «ادراک/ احساس نابرابری‌های جنسیتی برای خود» تبدیل شود. تا زنان بتوانند نابرابری موجود در جامعه را خاص گروه زنان دانسته؛ برای رهایی از این ادراک و احساس نابرابری‌های جنسیتی موجود در خود و نابرابری‌های جنسیتی موجود در جامعه باهم متحد شده تا اقدام نموده و کاری را از پیش برند. زنان باید با همکاری و تعاون عملی و فکری برای رهایی از نابرابری‌ها و تبعیض‌های موجود در جوامع بشری با هم کار کرده تا از مشکلات موجود علیه زنان رها شوند.

در نهایت باید گفت که زنان در نابرابری فرصت‌ها، موقعیت‌ها و منابع؛ کمترین این امکانات و فرصت‌ها و... در اختیارشان قرار می‌گیرد تا بتوانند در جامعه به پیشرفت‌های اجتماعی- اقتصادی و... دست یابند. خلاصه کلام در نابرابری‌های اجتماعی موجود بین اعضای جامعه نابرابری جنسیتی شاخص‌ترین نابرابری‌ها می‌باشد. و همه زنان در همه قومیت‌ها و نژدها، مذاهب و دین‌ها، طبقات و گروه‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد. ادراک و احساس این نابرابری تحت تأثیر عوامل مختلفی است تا زنان به جایگاه و منزلت واقعی خود در جامعه به عنوان یک گروه و طبقه مجزا که در طول تاریخ انجام شده و تا به امروز نیز تداوم یافته است؛ دست یابند. این عوامل در اینجا مورد سنجش قرار گرفته و میزان تأثیرگذاری این عوامل بر احساس نابرابری‌های جنسیتی سنجیده شده است. ادراک و احساس نابرابری‌های جنسیتی در گروه‌های مختلف نیز تحت تأثیر این عوامل هست. بطوری که، با بالاتر رفتن سطح تحصیلات و اشتغال زنان و در نتیجه حضور در حوزه‌های عمومی و تعاملات اجتماعی بیشتر سطح آگاهی زنان نیز بالاتر رفته و به ادراک و احساس نابرابری جنسیتی دست می‌یابند. با بالاتر رفتن ادراک و احساس نابرابری جنسیتی زنان، آن‌ها به مقایسه موقعیت‌ها، فرصت‌ها و امکانات در اختیار زنان در درون خانواده‌ها با مردان پرداخته و به تبعیض‌های موجود در خانواده‌ها پی می‌برند. هر چه زنان در مناطق مرفه و متوسط‌نشین ساکن باشند و از درآمد خانوادگی متوسط و بالاتر برخوردار باشند و در سنین جوانی و میان‌سالی واقع باشند، احساس نابرابری جنسیتی را بیشتر تجربه می‌نمایند.

با توجه به یافته‌های تحقیق لازم به یادآوری است که خانواده تحت تأثیر ساختارهای مختلف اجتماعی است. به این دلیل لازم است حاکمیت (حکومت و دولت) گاهی با آوردن فشار بر خانواده‌ها برخی موارد را عملی نماید (مثلا اجباری کردن تحصیل دختران و زنان تا مقطع دیپلم، و بالا بردن سن ازدواج تا ۱۸ سال تمام و...) تا زنان در خانواده نابرابری‌های جنسیتی کمتری را تجربه نمایند. بویژه دولت‌مردان با فشار بر خانواده‌ها از لحاظ حقوقی آنها را ملزم به دادن آزادی‌ها و فرصت‌های مختلف برای زنان و دختران کرده تا آنها هم مانند مردان در خانواده و جامعه از فرصت‌های مختلف بهره‌مند گردند. با توجه به این یافته‌ها، پیشنهادات به قرار زیر است:

۱- افزایش فرصت‌ها، موقعیت‌ها و امکانات تحصیلی برای زنان و دختران در همه مقاطع تحصیلی بویژه برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها.

- ۲- افزایش استخدام و بکارگیری زنان تحصیلکرده در ادارات تا دختران و زنان جوان‌تر در جامعه حضور یابند. و رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی در محل کار و در قوانین سازمانی و همسان‌سازی در میزان درآمد و برخی امتیازات زنان و مردان در ادارات.
- ۳- فرهنگ‌سازی در جامعه به وسیله حاکمیت و صدا و سیما؛ برای تغییر برخی آداب و رسوم در کشور (از جمله کاهش نابرابری و تبعیض‌های جنسیتی بین زنان و مردان و ارزش‌گذاری به همه گروه‌ها بویژه جوانان). و فرهنگ‌سازی برای کاهش نابرابری‌های مختلف در فرصت‌ها، موقعیت‌ها و منابع در بین زنان و مردان جوان در خانواده.
- ۴- افزایش امکانات، فرصت‌ها و موقعیت‌ها در جامعه و تابع آن در خانواده در همه مناطق سکونتی برای همه زنان و دختران.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۴). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه: باقر پرهام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۸۹). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: ناشر مرنديز-بهمین برنا.
- افشاری، زهرا و کاکاوند، سمیرا (۱۳۹۵). اثر نابرابری جنسیتی بر رشد، بهره‌وری و باروری در ایران. *فصلنامه علمی مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، دوره ۱۴، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۷.
- بخارائی، احمد (۱۳۹۴). تحلیلی بر عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر نابرابری جنسیتی (مطالعه زنان متأهل ۲۰ تا ۴۹ ساله شهر اصفهان). *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، دوره چهارم، شماره ۳.
- برکویتز، لئونارد (۱۳۸۸). *زمینه روانشناسی اجتماعی*. اقتباس: محمد حسین فرجاد، عباس محمدی اصل. تهران: انتشارات علم.
- جلائی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۸۸). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*. تهران: نشرنی.
- دهنوی، جلیل و معیدفر، سعید (۱۳۸۴). بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو. *فصلنامه مطالعات زنان*، دوره ۳، شماره ۷.
- دیلینی، تیم (۱۳۸۷). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. ترجمه: بهرنگ صدیقی/وحید طلوعی. تهران: نشرنی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- ساروخانی، باقر و محمودی، یسری (۱۳۸۷). بازتولید نابرابری جنسیتی در خانواده «مطالعه تطبیقی زنان شاغل و خانه دار شهر ایلام». *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال ۱، شماره ۱.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۵). *تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران*. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱، شماره ۲.
- (۱۳۹۰). طرح توسعه و عمران (جامع) شهر مراغه: جمعیت مراغه در سرشماری ۱۳۹۰. مأخذ: کتابچه گزارش شهرداری مراغه (چاپ نشده)، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.

- شکریبگی، عالیه (۱۳۹۶). بررسی نابرابری جنسیتی و عوامل مرتبط با آن در بین زنان شهر بوکان و میاندوآب. پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۸، شماره ۳.
- (۱۳۹۱). *سالنامه آماری استان آذربایجان شرقی*. مأخذ: مرکز آمار ایران. *سایت استانداری آذربایجان شرقی*.
- (۱۳۹۱). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰ شهرستان مراغه ۶-۱-۲*. فتح زاده، حیدر- (مدیر)- استانداری آذربایجان شرقی، معاونت برنامه‌ریزی دفتر آمار و اطلاعات. *سایت استانداری آذربایجان شرقی*.
- خاوری، کبری. سجادی، حمیرا. حبیب‌پور گتایی، کرم و طالبی، مهدی (۱۳۹۲). رابطه احساس نابرابری جنسیتی با سلامت روان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۱۳، شماره ۴۸.
- خوش روش، وحید. کیامنش، علیرضا و بهرامی، علیرضا (۱۳۹۶). رابطه مؤلفه‌های نابرابری جنسیتی با انگیزش تحصیلی زنان. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، شماره ۳۸.
- صالحی، محمد جواد. عبادی، جعفر و مظفری، گستاسب (۱۳۹۲). «اثر نابرابری سرمایه انسانی در زنان و مردان بر رشد اقتصادی به تفکیک مناطق مختلف جهان». *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۶۹.
- صداقتی فرد، مجتبی و سخاومهر، میترا (۱۳۹۲). تأثیر نابرابری جنسیتی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال ۴، شماره ۱۰.
- فتحی، سروش و مختاریپور، مهدی (۱۳۹۶). تبیین نگرش زنان به شکاف جنسیتی و کسب پایگاه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: زنان ۳۰-۴۰ ساله شهر تهران). *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۴.
- کولاکوفسکی، لشک (۱۳۸۵). *جریان‌های اصلی در مارکسیسم: برآمدن، گسترش و فروپاشی؛ جلد یکم: بنیانگذاران*. ترجمه: عباس میلانی. تهران: انتشارات آگاه.
- کیانی، مژده و رهنما فلاورجانی، زهره (۱۳۹۴). تأثیر نابرابری جنسیتی بر سرمایه اجتماعی زنان تحصیل کرده شهر اصفهان. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۶، شماره پیاپی (۵۸)، شماره ۲.
- گرب، ج. ادوارد (۱۳۸۱). *نابرابریهای اجتماعی: دیدگاهها و نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*. ترجمه: محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاده. تهران: نشر معاصر.
- گیدنز، آنتونی و همکاری برد سال، کارن (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی با تجدید نظر کامل و روز آمد شده*. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: نشر نی (ویراست چهارم).
- ناصری، سهیلا و ناصری محبوبه (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی (مطالعه موردی: شهرستان مهران در سال ۱۳۹۴). *فصلنامه فرهنگ ایلام*، دوره ۱۷، شماره ۵۲ و ۵۳.
- نبوی، عبدالحسین و حمدی، لیلا (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابریهای جنسیتی نمادی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری)». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۸، شماره ۲.

- Amudha, R., Motha, L. C. S., Selvabaskar, S., Alamelu, R., & Surulivel, S. (2016). Glass Ceiling and Glass Escalator-An Ultimate Gender Divide in Urban Vicinity. *Indian Journal of Science and Technology*, 9(27), 1-8.
- Burn, Shawn Meghan. (2011). *Women Across Cultures: A Global Perspective*. 3rd ed. New York: McGraw-Hill Companies.
- Condie, Rae, Alastair McPhee, Christine Forde, Jean Kane, & George Head. (2006). *Review of Strategies to Address Gender Inequalities in Scottish Schools. Final Report: Scottish Executive Social Research*. Pp.1-73. ISBN 0 7559 6039 4
- Feinstein, Shery., Feinstein, R., and Sabrow, S., (2010). Gender Inequality in the Division of Household Labour in Tanzania. *African Sociological Review* (14)2: 98-109.

- García-González, Judit., Forcén, Patricia., and Maria Jimenez-Sanchez. (2019). Men and women differ in their perception of gender bias in research institutions. *PLOS ONE*, 1-21.
<https://doi.org/10.1371/journal.pone.0225763> .
- MacKinnon, Catharine A.(1982). Feminism, Marxism, Method, and the State: An Agenda For Theory. *CHICAGO JOURNAL*, JSTOR, (7)3: 515-544.[Accessed: 09/07/2008]. <http://www.jstor.org>
- Ngo, Hang-yue, Sharon Foley, Angela Wong, and Raymond Loi. (2003).Who Gets more of the Pie? Predictors of perceived Gender Inequity at work. *Journal of Business Ethics*, 45: 227-241.
- Wulansari, Sri Ayu.(2013). Gender inequality perception: a comparative study of women in japan and indonesia. 49-127507: 1-28 [Retrieved October 13,2014]. ricas.ioc.u-tokyo.ac.jp